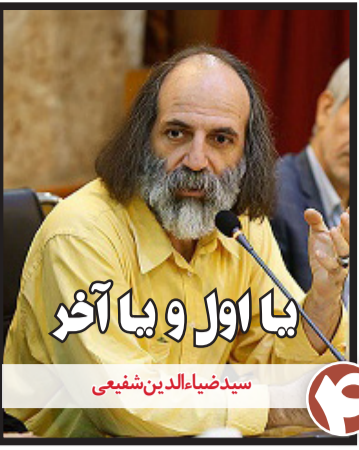


پررونق و پردرآمدترین شغل های سال ۲۰۱۷ معرفی شدند

با این شغل ها پول پارو کنید

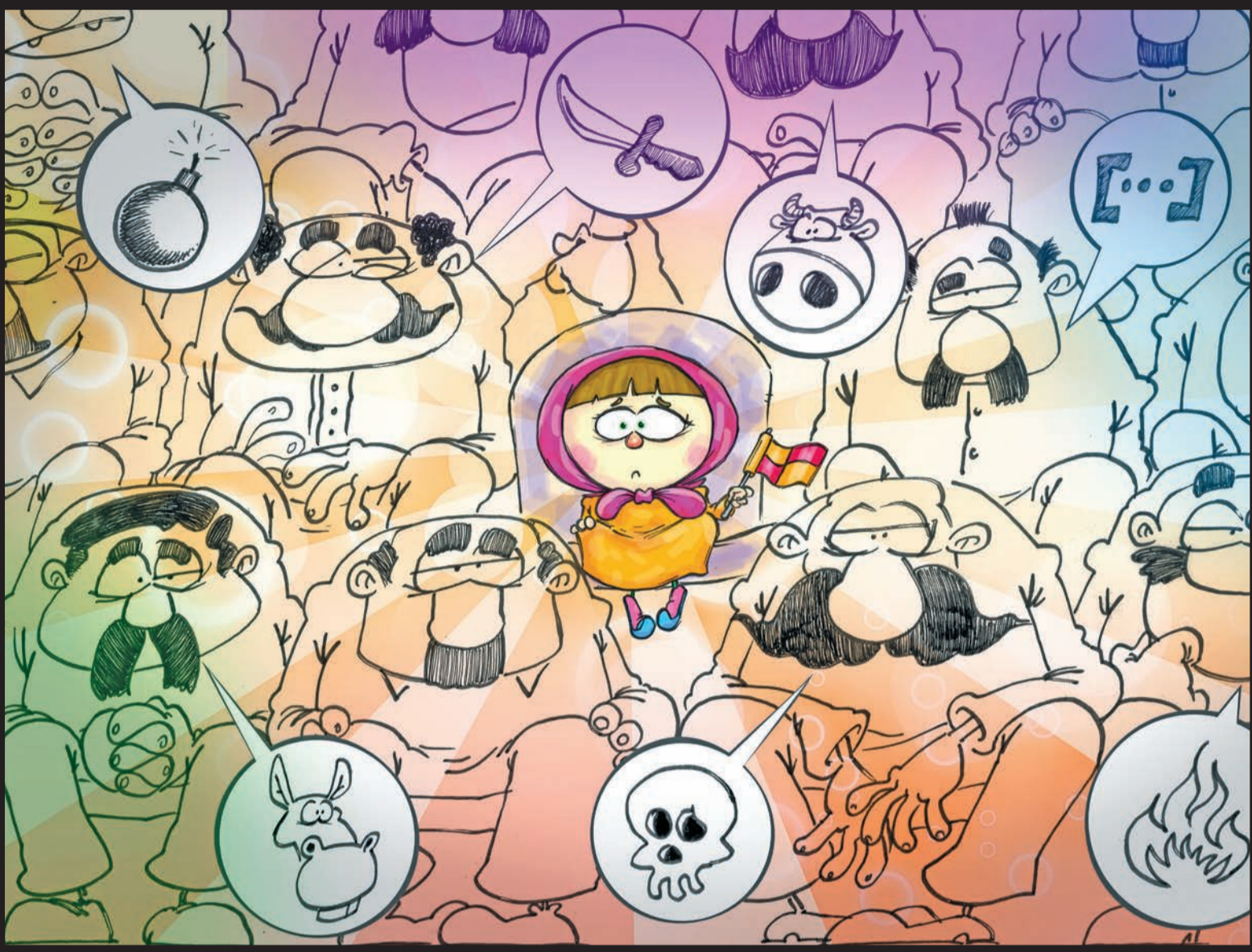
نگاهی به تمام رگوردهای عجیب و غریب آعجوبه فوتبالی

تولدت مبارک آقای مسی...!

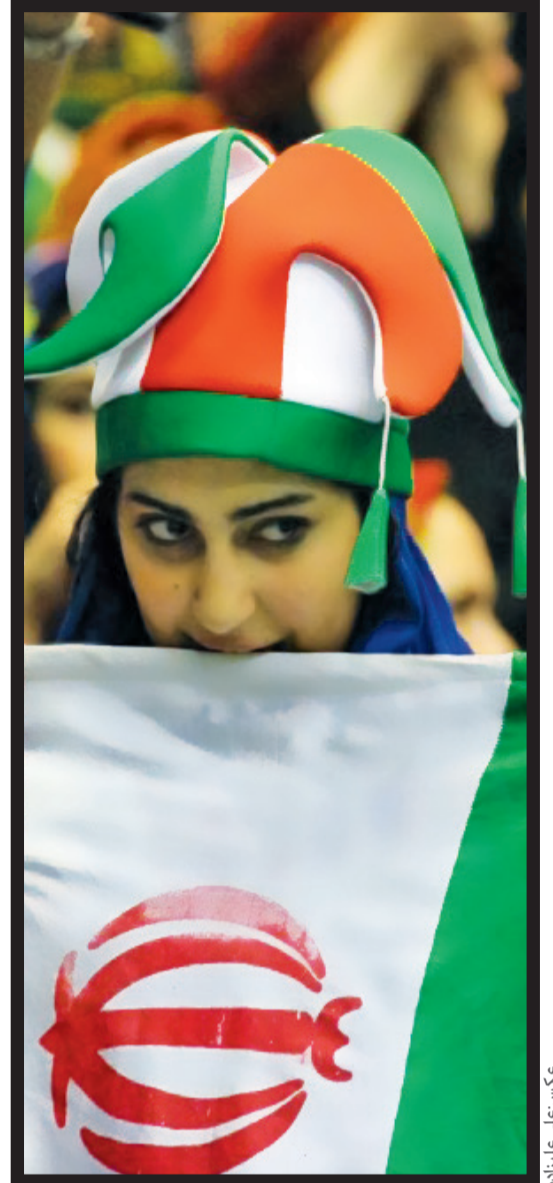


یا اول و یا آخر

سیدضیاءالدین شفیعی



بازهم قصه تکراری حضور بانوان در ورزشگاهها



عکس: علی علیزاده

بازهم

بازهم قصه تکراری حضور بانوان در ورزشگاهها

گایریم، نریم



مریم نیکپور | این روزها که خوشی جام جهانی در دل همگان است، دوباره از نو مغلها با بحث ممنوعیت ورود بانوان به ورزشگاهها داغ شده است و هرکسی نظری در این رابطه دارد. تنور دنیای مجازی هم داغ است و خبرها داغ تر. اما این میان باید به این مسئله توجه کرد که آیا حضور بانوان در ورزشگاهها این قدرها هم مهم و حیاتی است؟ راستش را بخواهید موافقان و مخالفان زیادی بارها سر این مسائل با هم بحث و گفتگو کرده اند، اما هنوز هم نمی توان توجیهی برای فضای فرهنگی بد ورزشگاهها آورد. در این مطلب همراهان باشید تا به ممنوعیت ورود زنان ایرانی به ورزشگاهها بپردازیم.



چند کمپین در سال ۸۳ تلاش های زیادی کردند تا در ورزشگاهها برای دیدن یک از معتبرترین مسابقات فوتبال بهرور بانوان ایرانی باز کنند. این تلاشها بهر تکرار نماند و بالاخره در بازی مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶، برای اولین بار در ورزشگاه آزادی به روی زنان ایرانی باز شد. اما بعد از آن بازی دوباره این اتفاق نیفتاد و همچنان در ورزشگاه به روی زنان بسته ماند. در این سالها رئیس جمهورها هم اقداماتی کرده اند، اما با وجود وضعیت فرهنگی ناسامان ورزشگاهها، این ممنوعیت ادامه پیدا کرده است.

چرا ورزشگاه نمی رویم؟

قصه از سالهای دور شروع شد. می گفتند حضور بانوان در ورزشگاهها فضای سالمی را به وجود نمی آورد. راست هم می گفتند، فضای ورزشگاه اصلا مناسب نبود. تصمیم بر نبودن خانمها گرفتند و صلاح آنان را در نیامدن دیدند؛ چراکه آمدنشان ممکن بود مشکلات زیادی را به همراه داشته باشد.

این تصمیم باعث شد تا زنان اعتراض کنند و بعد از آن فعالان حقوق زنان هم به میدان آمدند و با راه اندازی چند کمپین در سال ۸۳ تلاش های زیادی کردند تا در ورزشگاهها را برای دیدن یکی از محبوبترین مسابقات یعنی فوتبال بهرور بانوان ایرانی باز کنند. این تلاشها بی تکرار نماند و بالاخره در بازی مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶، برای اولین بار در ورزشگاه آزادی به روی زنان ایرانی باز شد، اما بعد از آن بازی دوباره این اتفاق نیفتاد و همچنان در ورزشگاه به روی زنان بسته ماند. در این سالها رئیس جمهورها هم اقداماتی کرده اند، اما با وجود وضعیت فرهنگی ناسامان ورزشگاهها، این ممنوعیت ادامه پیدا کرده است.

قصه از سالها که در شروع شد. می گفتند حضور بانوان در ورزشگاهها فضای سالمی را به وجود نمی آورد

جنگ فمینیستی

برای به دست آوردن خواستهها و حقوق زنانه، همیشه جنگهای پر رنگی با چاشنی فمینیستی شکل می گیرد؛ جنگهایی که اساس و بنیان آن فقط و فقط لجبازی است و به واقعیت مسئله توجهی ندارد. ما در این جنگها به دنبال برد و باخت هستیم و اصل موضوع را کنار گذاشته ایم. مثلا در همین مسئله ورزشگاه، فقط برایمان حضور بانوان مهم است و چگونگی این امر اصلا مهم نیست. اصرار داریم که خانمها هم باید مانند آقایان در ورزشگاه حضور داشته باشند، اما نسبت به چگونگی حضور آنان بی توجهیم. فرض کنید در پارک یا سینما یا هر مرکز تفریحی دیگری، فضایی حاکم باشد که در شأن حضور زنان نیست و ممکن است مشکلاتی را برای آنها به وجود آورد. آیا بازهم باید بگوییم به خاطر مطالبه حقوق زنان، آنها باید آنجا حضور پیدا کنند؟ طبیعتا هیچ خانوادهای موافق حضور دخترش در فضایی نامناسب نیست و هیچ خانمی هم از بودن در جایی که متناسب با او نیست، لذت نمی برد و حتی ممکن است اذیت هم بشود. حضور بانوان در ورزشگاهها فرقی با تئاتر دیدن یا به سینما رفتن یا شهر بازی یا هر مرکز تفریحی دیگری ندارد. اینجا مسئله مهم تری در میان است و آن چگونگی حضور آنان است. مطمئنا هیچ زنی علاقه مند به حضور در جایی نیست که فضای مناسبی برای او نداشته باشد. حضور بانوان ما مستلزم مناسب سازی فضای فرهنگی و اجتماعی ورزشگاههاست. پس بهتر است خودتان را درگیر جنگهای فمینیستی نکنید و آب در هاون آنها می گند. مسائل را زیاد بزرگ می کنید، نریزید و آرامش جامعه را فدای یک مشکل نکنید. مشکلات قابل حل هستند و باید به آنها درست پرداخته شود.

سوءاستفاده ممنوع

این بازی به ورزشگاه رفتن و رفتن هم شده است سوژه خبری و غیر خبری، یا در اصل باید گفت رودخانه گل آلودی شده برای کسانی که می خواهند از آن ماهی به نفع خودشان بگیرند. در واقع باید گفت این موضوع زمینه سوءاستفاده خیلی از شبکه های مختلف و یا حتی معاند نظام شده است و این شما هستید که علی رغم پیگیری مطالبات خود، نباید تنور آنان را داغ کنید. همیشه دشمنان در پی پیدا کردن نقطه های هستند تا به واسطه آن به ما ضربه بزنند و ما باید برای مقابله با آنان باهوش باشیم. همان طور که گفتیم، هر مشکلی راه حلی دارد و نباید با انتخاب راه حل های نادرست، اجازه سوءاستفاده به دیگران را داد.

دختران زیادی بارها لباس پوشیده اند و راهی ورزشگاه شده اند. بعضی را شناسایی کرده اند و اجازه ورود ندادند، اما بعضی دیگر به ورزشگاه رفته اند. «هانیه» در ۲۴ آذرماه سال ۹۵ با پوشیدن ۵ لباس روی هم به آزادی رفت و عکس حضورش را در اینستاگرام خود منتشر کرد. او گفته است اطرافیانش متوجه شدند که او خانم است و به همین دلیل هم رعایت او را کرده اند و شعارهای بدی ندادند. بعد از آن «زینب» در همان سال به ورزشگاه غدیر اهواز رفت تا دیدار پرسپولیس و استقلال خوزستان را از نزدیک تماشا کند.

اولین دختری که به ورزشگاه رفت

دختران زیادی بارها لباس پوشیده اند و راهی ورزشگاه شده اند. بعضی را شناسایی کرده اند و اجازه ورود ندادند، اما بعضی دیگر به ورزشگاه رفته اند. «هانیه» در ۲۴ آذرماه سال ۹۵ با پوشیدن ۵ لباس روی هم به آزادی رفت و عکس حضورش را در اینستاگرام خود منتشر کرد. او گفته است اطرافیانش متوجه شدند که او خانم است و به همین دلیل هم رعایت او را کرده اند و شعارهای بدی ندادند. بعد از آن «زینب» در همان سال به ورزشگاه غدیر اهواز رفت تا دیدار پرسپولیس و استقلال خوزستان را از نزدیک تماشا کند.

برای به دست آوردن خواستهها و حقوق زنانه، همیشه جنگهای پر رنگی با چاشنی فمینیستی شکل می گیرد؛ جنگهایی که اساس و بنیان آن فقط و فقط لجبازی است و به واقعیت مسئله توجهی ندارد. ما در این جنگها به دنبال برد و باخت هستیم و اصل موضوع را کنار گذاشته ایم. مثلا در همین مسئله ورزشگاه، فقط برایمان حضور بانوان مهم است و چگونگی این امر اصلا مهم نیست.

بیا بریم ورزشگاه

از روزی که به خاطر دارم، او با خواهش و التماس و دادن ائینبات قیچی هایش به داداش، پشت سرش راه می افتاد و به کوچه می رفت تا با پسرها فوتبال بازی کند. بزرگ تر که شد، به عنوان تنها تماشاگر لیگ فوتبال کوچهای کنار پیاده رو می ایستاد و تشویقشان می کرد. بزرگ تر از آن که شد، طرفدار یک تیم لیگ برتری شد و همزمان در باشگاه هم فوتبال بازی می کرد. مربی اش می گفت عشق و استعداد زیادی دارد. آن روزها فوتبال را لحظه به لحظه و خط به خط دنبال می کرد. همیشه آرزو داشت به استادیوم برود و مسابقات را از نزدیک ببیند، اما این آرزو هیچ وقت برآورده نشد. دخترانی هستند که آرزوی دیدن مسابقات فوتبال را از نزدیک دارند؛ دخترانی که فوتبال جزء جدانشدنی روزمره آنهاست و حتی در زندگی شخصی شان هم تأثیر گذاشته است. آن ها به جای دیدن سریال از تلویزیون، فوتبال می بینند، عکس فوتبال بیست ها به دیوار اتاقشان است و شاید خودشان هم یک فوتبالیست باشند. آن ها حتی حاضرند برای دیدن مسابقه فوتبال، لباس پسرانه بپوشند و به ورزشگاه بروند. این دختران کم نیستند. اما آن ها تنها بخشی از همه دختران ایرانی هستند و علاقه مندی های خاص خودشان را دارند. توجه به این علاقه مندی دختران لازم است، اما اگر تا امروز بانوان ما در ورزشگاهها حضور نداشته اند، به این معنی نیست که به آنها بی توجهی شده، بلکه فضای فرهنگی حاکم بر ورزشگاهها اجازه حضور آنان را نداده است. راستش را بخواهید، مسئله اینجاست که آیا ورزشگاهها واقعا فضای مناسبی دارند؟ همه ما می دانیم که در حال حاضر محیط ورزشگاهها آن قدرها هم مناسب خانمها نیست، مگر این که فضای آن را متناسب با حضور بانوان کنند و قوانینی را در نظر بگیرند؛ مثلاً جایگاه مخصوص و قوانینی که به راحتی و امنیت خانمها کمک کند. از طرف دیگر آقایان هم باید رعایت کنند و دست از سر شعارهای نامتعارف و بد ورزشگاهی بردارند.



نگاهی به تمام رکوردهای عجیب و غریب تولدت مبارک آقای مسی



شماره ۳۰:

فقط ۹۰ ثانیه:

مسی اولین بار در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴ با پیراهن بارسلونا در لالیگا به زمین رفت، پیراهن شماره ۳۰ مسی در این بازی، مقابل رقیب همشهری اسپانیول به جای دو که زمین رفت.

مسی ۱۸ ساله در آگوست ۲۰۰۵ اولین بازی ملی کرد، اما این تجربه با پیراهن البیسلسته فقط ۱۰ کشید و با کارت قرمز مستقیم برای او مقابل م به پایان رسید. این اولین و آخرین باری بود که مسی پیراهن آرژانتین یا بارسلونا از زمین اخراج شد.

پرونیق و پردرآمدترین شغل های سال ۲۰۱۷ معرفی شدند

با این شغل ها پول پارو کنید



داشتن شغل و به دنبال آن درآمد خوب، موضوعی است که در سال های گذشته به علت مشکلات اقتصادی زیاد در سراسر دنیا اهمیت بیشتری پیدا کرده است. همانند که در کنار درآمد بالا، جایگاه اجتماعی و همین طور علاقه به کاری که انجام می دهیم هم مهم است، اما الان متأسفانه شرایط یکجوری شده که محبوبیت شغل ها را براساس درآمدشان می سنجدند. اگر بخواهیم متنه به خشخاش نگذاریم باید بگوییم بالاخره شغل هایی پردرآمد می شوند که مشتری دارند و این نکته یعنی این که به درد مردم خورده و برای جامعه مفید هستند. به تازگی ۱۶ شغل پردرآمد جهان معرفی شده اند که در این گزارش به معرفی اسامی آن ها پرداخته ایم.

طراحی وب

همان طور که می دانید در حال حاضر، دوره، دوره فضای مجازی است. فضای مجازی این روزها روی بازار و تجارت هم تأثیر گذاشته و تجارت الکترونیک حساسی طرفدار پیدا کرده است. برای همین هر کاری که به این موضوع مرتبط باشد مانند توسعه و شکل گیری خدمات جدید مبتنی بر شبکه و اپلیکیشن های گوشی های هوشمند، یکی از بهترین مشاغل هستند و رتبه بالایی توی فهرست پردرآمدها دارند.



آموزشگاه ها و مؤسسات به سمت راه اندازی سیستم آموزش آنلاین روی آورده اند.

متخصص تبلیغات در دنیای مجازی

خب وقتی همه باروبندیلشان را جمع کرده و به فضای مجازی کوچ کرده اند، کسانی را هم لازم دارند که برایشان در این فضا تبلیغات کنند.

تولید محتوا

خب این همه شبکه و سایت و گروه که در فضای مجازی راه افتاده، احتیاج به محتوا و موضوع و سوژه دارند. برای همین تولید محتوا یکی از مشاغل جدیدی است که سیر استخدام در آن به سرعت در حوزه های مختلف در حال افزایش است.

تولید اپلیکیشن های ساده برای کودکان

خوب وقتی آموزش مجازی بخواهد تخصصی بشود، با توجه به وجود فرزندسالاری در دنیا، مهم ترین مشتری ها در فضای مجازی کودکان و وسایل مربوط به آن ها می شود. بنابراین تولید نسخه های این نرم افزارها متناسب با دانش و تجربه محدود کودکان یکی از راه های جدید کسب درآمد در جوامع جوان و جمعیت رو به رشد است.

خدمات حمل

از آنجایی که ترافیک همیشه هست و قرار است روز به روز هم بدتر شود و هیچ اعتباری هم به بهتر شدن اوضاع نیست که بارمان سالم به مقصد برسد، بسیاری از افراد علاقه مند به یافتن شرکت هایی هستند که این خدمات را به شکل کاملاً حرفه ای و با کمترین ریسک انجام می دهند.

آزاد کار

امروزه افراد متخصص بسیاری به این نوع کسب و کار روی آورده اند. در واقع آن ها با توجه به تخصص موجود برای پروژه های مختلف، با سازمان ها همکاری موقت داشته و پس از پایان طرح، به همکاری با آن سازمان پایان می دهند و منتظر همکاری در طرح و پروژه دیگری با سازمان دیگری می شوند.

سایر پردرآمدها

سیرکردن شکم، آن هم در کمترین زمان توسط غرفه های مواد غذایی، تعمیر گوشی های هوشمند که این روزها خیلی پیچیده شده اند و دیگر بدون دانش کافی نمی شود درستشان کرد، ترجمه با توجه به توسعه بازار و بین المللی شدن همه چیز و نیاز به ارتباط مردم با زبان های مختلف، تأمین و نظارت بر منابع انسانی با توجه به افزایش کارکنان دور کار یا شاغل در نقاط مختلف جغرافیایی غیر از دفتر مرکزی، آموزش نرم افزار و مشاور بورس، از دیگر مشاغل پردرآمد این فهرست هستند.

همکاری در بازاریابی

حالا که حرف بازار شد، باید خدمتتان عرض کنم که توی بازار نه کالا و نه پول، حرف اول را نمی زنند، بلکه مشتری مهم ترین نکته است. به همین دلیل یکی از راه های کسب درآمد، متقاعد ساختن افراد به خرید محصولات و خدمات است و زمانی این فعالیت سودآورتر می شود که شما برای راه اندازی این کسب و کار، سرمایه اولیه چندانی را به کار نگرفته باشید.

متخصص تغذیه

بعد از بازار و کار و کاسبی، سلامت سوژه دیگری است که این روزها بین مردم دنیا خیلی طرفدار پیدا کرده است. خوشبختانه با بالا رفتن آگاهی مردم در سراسر دنیا، آن ها به فکر تغییر در سبک زندگی خود افتاده و بسیاری از مردم و دولت ها به تأثیر تغذیه و ورزش بر سلامت پی برده اند. برای همین حالا خیلی از افراد، به خصوص خانم های خانه دار مدام دنبال این هستند که چی بخورند و چی نخورند و چطور شرایط بهتری را برای فرزندان و خانواده شان درست کنند. این جوری شده که متخصصان تغذیه طرفدار پیدا کرده و این روزها در حد متخصصان زیبایی و پوست معروف شده اند.

نویسنده کتاب های آنلاین

شاید این خبر برای کتاب بازها کمی تلخ باشد، اما با توجه به افزایش سرعت در سبک زندگی مردم دنیا، دیگر کسی وقت چندانی برای مطالعه کتاب به شکل کاغذی ندارد و اغلب اگر هم تمایلی به مطالعه داشته باشند، ترجیح می دهند آن را به صورت مجازی و در گوشی های هوشمندشان دنبال کنند. در حال حاضر نویسندگانی در سراسر دنیا این سبک را پسندیده و دنبال می کنند و از این راه درآمد خوبی به دست آورده اند.

آموزش مجازی

گفتیم که دوره، دوره فضای مجازی است. آموزش مجازی هم به خاطر این که نیازی به رفت و آمد و مکان و تجهیزات و هزار جور دنگ و تفنگ ندارد، یکی از شغل های پردرآمد و به صرفه معرفی شده است و بسیاری از

پایان رکورد ۶۰ ساله: رکورد گینس:

در مارچ ۲۰۱۲ مسی رکورد ۶۰ ساله «سزار رودریگز» به عنوان بهترین گلزن تاریخ بارسلونا را شکست. مسی این مرز را با زدن گل ۲۳۳ امش برای بارسا، در پیروزی ۵-۳ مقابل گرانادا رد کرد.

سال ۲۰۱۲ برای مسی سالی فراموش نشدنی بود. او در این سال در مجموع بازی های و باشگاهی ۹۱ گل زد تا رکورد «گرت» با ۸۵ گل را هم که در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده بود، بشکند.

پادشاه پنج گانه جهان فوتبال:

و البته چطور می توان پنج توپ طلای مسی را فراموش کرد؟ مسی در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ چهار بار پیاپی این جایزه را گرفت و یک بار دیگر هم سال ۲۰۱۵ آن را به نام خودش ثبت کرد.



دو گانه سه گانه:

یک فصل بعد اما با ورود پپ گواردیولا شرایط بارسا و مسی از این رو به آن رو شد. بارسا با ۳۸ گل مسی در فصل ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بدل به اولین تیم اسپانیایی شد که سه گانه (لالیگا، کوپا دل ری و چمپیونز لیگ) را فتح می کند، افتخاری که فصل ۲۰۱۵-۲۰۱۴ یک بار دیگر برای کاتالان ها تکرار شد. این بار با ۵۸ گل از مسی.



۵۶۵ در ۷۰۱:

مسی در مجموع ۷۰۱ بازی که برای آرژانتین و بارسلونا انجام داده، ۵۶۵ گل زده است؛ ۵۰۷ تا از این گل ها در ۵۸۳ بازی برای بارسا بود و ۵۸ گلش در ۱۱۸ بازی برای آرژانتین.

رکوردهای لالیگا:

مسی در فصل ۲۰۱۲-۲۰۱۱ بدل به اولین بازیکن بیش از ۵۰ گل در این لیگ زده، هر چند این فصل مادرید و «روزه مورینیو» این افتخار را به دست آوردند. لالیگاست، او سال ۲۰۱۵ با گلی که به سویا زد، «زارا» را شکست. مسی در حال حاضر ۳۴۹ گل

پای چپ ۸۲ درصدی من:



مسی ۴۶۲ تا از گل هایش را با پای چپ هنرمندش زده (۸۲ درصد گل هایش) و ۷۷ گلش را با پای راست. دو گل دیگر مسی تحت «باقی» اعضای بدن قرار می گیرند. یکی از این دو گل، نسخه به دیگو مارادونا بود، در سال ۲۰۰۷ مقابل اسپانیول و دیگری با فینال جام باشگاه های جهان در سال ۲۰۰۹ مقابل استودیانتس

۴۰+:

از فصل ۲۰۰۸-۲۰۰۹ به بعد مسی در هر فصل، در مجموع بازی های ملی و باشگاهی حداقل ۴۰ گل زده. او این فصل به مرز ۵۷ گل رسید که در مقایسه با آمار خودش جایگاه چهارم را پیدا می کند.



دو جفت کفش طلا:



مسی این فصل با زدن ۳۷ گل در لالیگا کفش طلای فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۲ و ۲۰۱۲-۲۰۱۳ هم به دست آورده بود «لویس سوارز» تنها بازیکنان دیگری هستند که

تمدید باز نشست

نیچر، پرونده

قدس آنلاین

۲۰۰ میلیون دلار برای کره و مریا



می دانستید کره ای که صبح ها با مریا نوش جان می کنید باعث می شود پول زیادی از کشور خارج شده و کلی هزینه بر ایمان درست کند؟ به گفته مدیرعامل اتحادیه دامداران، سالانه ۴۵ تا ۵۰ هزار تن کره از کشورهای مختلف، به خصوص نیوزلند وارد کشورمان شده و ما بابت این همه کره که وارد می کنیم، حدود ۲۰۰ میلیون دلار هزینه می کنیم. ایشان گفته اند برنامه های اصلاح نژاد دام خیلی زمان بر است و کمی طول می کشد تا ما در زمینه کره خودکفا بشویم.

ایمانا

۱۵ درصد زنان بی سرپرست دنیا در فقر مطلق



حالا که همه اش در مورد پول حرف زدیم، خوب است بدانید که ۱۵ درصد زنان بی سرپرست دنیا در فقر مطلق به سر می برند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به مناسبت روز جهانی زنان بی سرپرست این خبر را اعلام کرد و گفت: ۲۵۶ میلیون زن بی سرپرست در سراسر جهان زندگی می کنند و ۱۵ درصد این زنان در فقر مطلق هستند. واقعیت این است که در جوامع مختلف، زنان بی سرپرست با چالش های متعددی مواجه هستند. یکی از مهم ترین مسائلی که زندگی این زنان را تحت تأثیر قرار می دهد و به سبب آن خشونت های دیگر را علیه آن ها روانه می کند، فقر و محرومیت آن ها است.

تاوهای وطنی بیشتر رحمت بکشان

باید به خودمون کمک کنیم



مسی در فصل ۲۰۱۱-۲۰۱۲ بدو به اولین بازیکن تاریخ لالیگا شد که در یک فصل بیش از ۵۰ گل در این لیگ زد، هر چند این فصل با قهرمانی بارسا به پایان نرسید و رئال مادرید و «ژوزه مورینیو» این افتخار را به دست آوردند. مسی در مجموع بهترین گلزن تاریخ لالیگا است.

LIONEL MESSI

بیب اعجوبه فوتبال

علیرضا گرانپایه [راستش را بخواهید، به راحتی نمی توانیم با اعداد و ارقام ثابت کنیم که او برترین فوتبالیست تاریخ فوتبال است. شاید به همین دلیل نسل های بعد متوجه پیوند دو کلمه اعجوبه و شگفت انگیز با «لیونل مسی» نشوند. آن ها ندیده اند که چگونه پسر بچه آرژانتینی با توپ شگفتی می آفریند، چگونه توپ را به پاهایش می چسباند و به دل حریف می زند. حالا مسی ۳۰ ساله شده است، او حالا هر لحظه به مرز بازیکنان بزرگ می رسد. شاید این جمله در دناک باشد، ولی خوب چه کنیم که روزی باید از لیونل هم خداحافظی کنیم. به مناسبت تولد ۳۰ سالگی مسی نگاهی انداختیم به آماری که دوران باشکوه فوتبال او را تعریف می کنند. از همان لحظه اول ورود به زمین، تا بدل شدن به بهترین گلزن تاریخ بارسا و لالیگا، سفرمان را از همان عدد ۳۰ شروع می کنیم.



...!

اش را تجربه
فانیه طول
بجارتستان
سی با

شدنی
ملی
مولر»

بیت تیم منتخب فیفا:

سال ۲۰۰۷ به بعد همیشه در منتخب ۱۱ نفره فیفا «فیفا» قرار می گیرد. یار همیشگی مسی در این دوران هم «کریستیانو رونالدو» بوده است.

۳۰ ساله، ۳۰ جام:

مسی با بارسلونا ۳۰ جام برده است. تنها بازیکنی که از این نظر با او برابری می کند «آندرس اینیستا» است.

مسی تاریخ لالیگا شد که در یک فصل گل با قهرمانی بارسا به پایان نرسید و رئال مادرید در مجموع بهترین گلزن تاریخ لالیگا شد (۲۵۲ گل در ۲۹۰ بازی). رکورد «تلمو در لالیگا دارد، یعنی ۶۴ گل بیشتر از رونالدو.

رصد از کل
تیرمجموعه
ازسازی شده
ضربه سینه در

شکنجه گر سویا:

مسی به شش تیم اسپانیایی بیش از ۲۰ گل زد، اما در این میان هیچ تیمی به اندازه سویا بدست جادوگر آرژانتینی شکنجه نشده. مسی ۲۹ بار تابه حال دروازه سویا را باز کرده، شش بار بیشتر از گل هایی که به رئال زد.

طلا اروپا را برای چهارمین بار برد، عنوانی که در فصل های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ از این منظر رکورد رونالدو با مسی برابر است، در حالی که «دیگو فورلان» و «ژوزه مورینیو» این افتخار را به این دو رسانده اند.

اولین گل:

هفت ماه و نیم بعد از اولین بازی مسی برای بارسا، او اولین گلش را برای کاتالان ها (لقب تیم بارسلونا) در روز اول می ۲۰۰۵، مقابل آلباسته، در نیوکمپ زد و بدل به جوان ترین گلزن تاریخ باشگاه در لیگ شد (رکوردی که البته بعداً به دست بویان کرکیچ شکسته شد).

طلای المپیک:

به تمام افتخارات مسی باید طلای المپیک پکن در سال ۲۰۰۸ را هم اضافه کنیم. در تورنمنتی که او دو گل زد و کنار «سرخو آگوئرو» و «آنخل دی ماریا» (زندگه گل قهرمانی در فینال مقابل نیجریه) این مدال بارزش را بر گردن انداخت.

یک فصل بدون جام:

تنها فصلی که مسی در آن هیچ جامی نگرفته، به فصل ۲۰۰۸-۲۰۰۷ برمی گردد، وقتی بارسلونا در لالیگا سوم شد و در کوپا دل ری و چمپیونز لیگ در نیمه نهایی حذف شد.

فینال های بر باد رفته:

با وجود تمام افتخاراتی که مسی با بارسا فتح کرده، کارنامه او در بازی های ملی پر است از شکست های تلخ. مسی با آرژانتین در سه سال اخیر سه فینال بزرگ را باخته، در جام جهانی ۲۰۱۴ و کوپا آمریکای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶. به این سه شکست، باخت در یک فینال دیگر در کوپا آمریکا در سال ۲۰۰۷ را هم اضافه کنید.

۷۴ تا پنالتی:

مسی ۷۴ تا از گل هایش برای باشگاه و تیم ملی اش را از روی ضربات پنالتی زده و البته در این راه ۲۰ پنالتی را هم از دست داده است. پس ۱۳/۱ درصد از کل گل های مسی از روی نقطه پنالتی بوده، در حالی که او ۷۷/۵ درصد از این ضرباتش را به گل تبدیل کرده است.

مسی تایم:

مسی ۱۴۱ گلش را از دقیقه ۷۶ به بعد زده، یکی از به یاد ماندنی ترین این گل ها، قطعاً گل پیروزی بارسا در همین ال کلاسیکو آخر بود.

۸۸ شوت:

مسی ۸۸ تا از گل هایش را با شوت های خارج از باکس زده، پس ۴۷/۷ تا گل دیگر از داخل باکس به دست آمده اند.

۴در۴:

مسی تابه حال چهاربار چهار گل زدن در یک بازی را تجربه کرده، سه بار مقابل تیم های لالیگا (والنسیا، اسپانیول و اوساسونا) و یک بار مقابل آرسنال در یک چهارم نهایی چمپیونز لیگ در سال ۲۰۱۰. مسی در ضمن اولین بازیکنی است که در تاریخ چمپیونز لیگ موفق شده در یک بازی پنج گل بزند (مقابل بایر لورکوزن در جریان پیروزی ۷-۱ بارسا در سال ۲۰۱۲).

این روزها ماجراهای بدل مسی حسابی خبرساز شده است

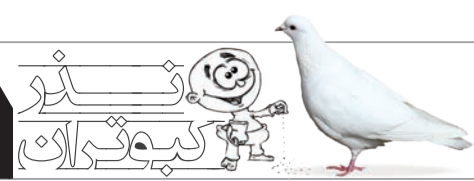
مسی ایرانی



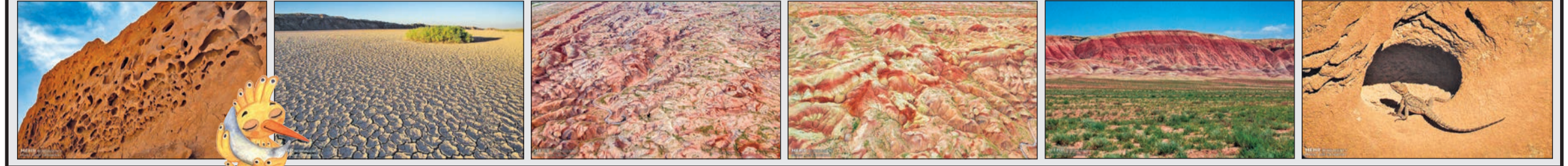
شروع درخشش هر ستاره در فوتبال اروپا، مقایسه او با مسی را به همراه دارد. حتی در فوتبال ایران نیز بازیکنان زیادی در این سال ها لقب مسی را از رسانه ها و هوادارها گرفته اند. همه آن هایی که این لقب را سخاوتمندانه برای بازیکنان مختلف خرج می کنند، خوب می دانند که فوق ستاره آرژانتینی به خاطر همه نمایش های اعجاب آورش در زمین فوتبال، برای سال ها و شاید دهه ها دست نیافتنی خواهد بود. شبیه بودن به مسی، حد نهایت آمل بسیاری از اهالی فوتبال است، اما بعد از ظهور این پدیده در بارسلونا، هیچ کس وجود نداشته که فوتبال را شبیه لئو بازی کند. شبیه ترین فرد به مسی، نه فوتبالیست بوده و نه قرار است فوتبالیست شود. «رضا پرستش» بعد از انتشار یک تصویر در لباس آرژانتین به شهرت رسید. او مسی را به خیابان های تهران آورده بود. شباهت او به لیونل انکار نشدنی به نظر می رسید و خود او نیز تلاش کرده بود تا با ایجاد چند تغییر در چهره اش، این شباهت را کامل کند. پرستش برای مدتی مورد توجه رسانه های وطنی و شبکه های اجتماعی قرار داشت و تصویرش با عنوان بدل مسی، حتی به وسایط های خبری خارجی نیز راه پیدا کرد. او در یکی از گفت و گوها از ملاقات قریب الوقوع با خود مسی خبر داد، اما این خبر بیشتر شوخی تلقی می شد. اتفاق شوکه کننده در مورد رضا پرستش، ملاقات با گلر افسانه ای رئال مادرید بود. او در کویت، ایگر کاسیاس را غافلگیر و ایرانی ها را غافلگیرتر کرد و در حالی که تمام پرسش های سن ایگر را با کلمه YES جواب می داد، در یک عکس مشترک دونفره با کاسیاس نیز حاضر شد. هیچ کس تصور نمی کرد پرستش، تا صفحه اینستاگرام کاسیاس نیز نفوذ کند. همزمان با انتشار گسترده این ویدئو، موجی از ناراحتی و واکنش در فضای مجازی از سوی کاربران ایرانی علیه او در جریان بود. ایرانی ها در توییتر انواع و اقسام آرزوهای ناخوشایند را نثار او می کردند، اما این رفتار از کجا نشأت می گرفت؟ در آمریکا بسیاری از بازیگران را با استعداد «استعداد نداشتن و پول در آوردن» می شناسند. قاطبه مردم نادیده می گیرند که این ها با همه بی استعدادی شان، صاحب چند ویژگی برجسته هستند که خوب یا بد، هوادار دارد. حالا رضا پرستش نیز به خاطر این که بدون سخت کوشی، بدون فوتبال بازی کردن و یا انجام هر کار ویژه دیگری به شهرت جهانی رسیده و با کاسیاس ملاقات کرده، سرزنش می شود. رضا از امتیاز یک شباهت خدادادی بهره می برد، اما این به آن معنا نیست که او سزاوار در اختیار داشتن بلیت برنده نیست. توفیتی ها از پرستش ناراحت هستند، چرا که تصور می کنند او در تقسیم خوش شانسی یکی از افراد اول صف بوده و به جای هويت خودش، روی هويت یک انسان دیگر تکیه کرده، اما حقیقت آن است که بدل ها در تمام دنیا، از جایگاه تبلیغاتی خاص خودشان برخوردار هستند، درست مثل بدل نیمار که با ماجرای سیگار کشیدن در بارسلونا یک جریان جالب تبلیغاتی ساخت و یا بدل سیاستمدارها که در مواقع کلیدی مأموریت های مهمی برعهده داشته اند. شاید دلیل ناراحتی عمومی از رضا پرستش، مدل استفاده از او در مراسم های مختلف باشد. همه آن دعوت ها و سلفی های دکوری در پایتخت، همه آن سنارپوهایی که به جای استفاده های جذاب از این شباهت، به شیرین کاری هایی در سطح مسابقه محله ختم شده اند!



بعد از کش و قوس های فراوان، دغدغه های استقلال را برای خرید مدافع میانی برطرف شد و «پژمان منتظری» بار دیگر به استقلال برگشت. «بندار توفیقی» مسئول نقل و انتقالات باشگاه استقلال در مصاحبه ای مدعی شده که پژمان منتظری برای این که حسن نیتش را ثابت کند با استقلال قراردادی ۲ ساله امضا کرده است. البته که منتظری یکی از استقلال های محبوب و متعصب به شمار می رود، اما این که بازیکنی در ۳۳ سالگی با باشگاه محبوبش قرارداد ۲ ساله ببندد می تواند به جز حسن نیت، معانی دیگری هم داشته باشد؛ متلاً نزدیک شدن به سن بازیکنان است؛ دقیقاً همان اتفاقی که برای بازیکنانی مثل خسرو حیدری و مهدی رحمتی افتاد. این دو بازیکن هم در سال های گذشته به سختی راضی به تمدید قرارداد حتی یک ساله با استقلال می شدند، اما فصل گذشته رحمتی با استقلال قرارداد ۳ ساله بست و حیدری هم ۲ ساله تمدید کرد. البته این اتفاق مختص بازیکنان استقلال نیست و درباره بازیکنی مثل سیدجلال حسینی هم صدق می کند. ماجراهای تمدید قرارداد این بازیکن هم در سال های گذشته با پرسپولیس برای خودش تبدیل به سرنالی دیدنی شده بود، اما او هم لابد برای نشان دادن حسن نیت خود و در ۳۶ سالگی، پیش از پایان فصل، قراردادش را با پرسپولیس برای دو فصل دیگر تمدید کرد تا تمام این حرف ها زمانی معنی پیدا می کند که همین دوستان سرخابی به ندرت توانسته اند، قرارداد بلندمدت با جوانان خوش استعداد خود ببندد و همین موضوع هر ساله، آن ها را با مشکلات زیادی در انتهای فصل مواجه می کند.



نقاشی طبیعت



هدیه‌های هشتاپی‌ها

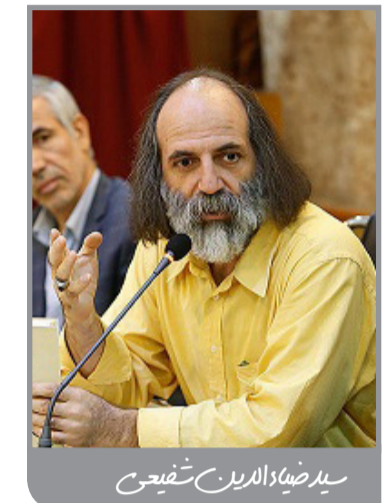
دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

به خط درشت علاقه داشتیم! اگر چه تنها افتخاری که در این زمینه کسب کرده بودم یک نمره ۲۰ از معلم هنرمان بود. بهمانند که چند بار به خاطر ریختن مرکب روی فرش گوشم مورد نوازش قرار گرفت!

دوات‌های قدیمی شکل عجیبی داشت. درش کوچک بود و به پایین که می‌رسید، بزرگ می‌شد. هر وقت مرکب می‌خردم، درش را باز می‌کردم و یک تکه ابر را با زور می‌چیندم داخلش. طبیعتاً مرکب می‌ریخت بیرون. بعد هم نتیجه‌اش معلوم بود: گوشمالی همراه با لعن و نفرین. البته این را هم بگویم که بعدها یادم دادند یک سینی زیر مرکب بگذارم تا گوش‌هایم اندکی به حال خودشان باشند.

بابا معتقد بود که خطاطی بدترین شغل دنیاست چون درآمدی ندارد که به درد روزگار بخورد و تازه، خرج هم دارد. بابا جوشکار بود و تابستان‌ها مرا می‌برد کمک خودش.

قبر غلامحسین بیل‌ساز



سید ضیاءالدین توافقی

با اول و با آخر

بی‌آن‌که بدانیم «از کجا» بی‌آن‌که بدانیم «به کجا»، آمده‌ایم، چشم باز کرده‌ایم به جهانی که وسیع است؛ آن‌قدر وسیع که آغاز و انجامش به چشم نمی‌آید. اما تردیدی نیست که این وسعت بزرگ را نیز «اول» و «آخری» هست.

وستا محمد شروع کرد به حکاکی. با وجودی که سواد نداشت، حرفی که لاغر نوشته بودم را جاق می‌کرد و برعکس. سنگ حکاکی شده از خط من قشنگ‌تر شده بود؛ مخصوصاً وقتی نوشته‌ها را با سیاه و سبز رنگ کرد. خیلی حس خوبی داشتم. پیش خودم حساب می‌کردم الان شهر ما ۲ تا خطاط دارد، من و حسین آقا!

دلیم می‌خواست معلم هنرمان از آنجا رد می‌شد و خطم را می‌دید ولی رد نشد. بابا سنگ قبر را که دید، فقط یک «بارک‌الله» گفت و خیلی زود رفت سر کارش.

روز بعد رفتم که شاهکارم را نگاه کنم و کیف کنم اما دیدم نیست. اوستا محمد که داشت هاون درست می‌کرد، تا مرا دید گفت: بردند، دیشب بردند.

کجاست؟

کنار مغازه بابا، «اوستا محمد» سنگ تراشی داشت. هم هاون سنگی درست می‌کرد، هم سنگ قبر می‌تراشید. یک خطاط که اسمش «حسین آقا» بود، می‌آمد اسم مرده‌ها را روی سنگ می‌نوشت و می‌رفت. من با خودم فکر می‌کردم حسین آقا تنها خطاط شهر است. اوستا محمد سواد نداشت ولی خیلی قشنگ حکاکی می‌کرد. خیلی دلم می‌خواست بگویم یکی از سنگ‌ها را بدهد به من بنویسم ولی می‌ترسیدم.

یک روز اوستا محمد سفارش سنگ قبر داشت ولی حسین آقا دستش را گذاشته بود توی پوست کردو و نیامده بود. اوستا محمد خیلی ناراحت بود. گفتم: من می‌تونم بنویسم؟ مجبوری قبول کرد و گفت: خراب نکنی‌ها!

قلم را داد دستم. قلم که چه عرض کنم، یک چوب بستنی بود که یک طرفش را جکجی بریده بودند. اسم مرحوم غلامحسین بیل‌ساز بود. از نظر خوشنویسی ترکتب خیلی سختی داشت! می‌خواستم بگویم اسم ساده‌تر نذار بنویسم؟! ترسیدم بگویم: می‌دانستم این کاره نیستی! به هر بدبختی و عرق ریختنی بود، بعد از چند بار پاک کردن بالاخره نوشتمش. خیلی اذیت شدم. تخصص من در نوشتن جمله «کار امروز به فردا مگذارد» بود و نهایتاً «راه مردان بزرگ ادامه دارد»!

سنگ قبر رو کجا می‌برند؟! خب می‌برند قبرستان دیگه.

بدو پدر رفتم به سمت قبرستان. خیلی شوق داشتم خطم را روی قبر بینم. حدود نیم ساعت بعد نفس نفس زنان رسیدم به قبرستان. رفتم سراغ قبرهای تازه. هر چه گشتم قبر غلامحسین بیل‌ساز را پیدا نکردم. رفتم به سمت غسل‌خانه. در زدم. یک آقایی که چکمه و دستکش لاستیکی داشت، در را باز کرد. کمی ترسیدم ولی بی‌روزی ندادم. سلام کردم و پرسیدم: آقا ببخشید قبر غلامحسین بیل‌ساز کجاست؟

با دست به سمت قبرهای نو اشاره کرد و گفت: مرده‌های تازه رو اونجا خاک می‌کنن.

اونجا رو گشتم، نبود.

خب شاید بردنش روستا.

کدوم روستا؟

چه می‌دونم؟ همه مرده‌ها رو که توی شهر خاک نمی‌کنن! راست می‌گفت. همه مرده‌ها را که در شهر خاک نمی‌کنند.

تا امید راه افتادم به طرف خانه‌مان. حالا سال‌هاست این سؤال بزرگ توی ذهنم نقش بسته که خط من بر قبر غلامحسین بیل‌ساز مثل خود او که با مرگش رفت، محو و مرحوم شده است یا همچنان مثل همان سال‌ها که با اشتیاق روی سنگ حکاکی‌اش کردم، می‌درخشد.

به خط درشت علاقه داشتیم؛ اگر چه تنها افتخاری که در این زمینه کسب کرده بودم یک نمره ۲۰ از معلم هنرمان بود. بهمانند که چند بار به خاطر ریختن مرکب روی فرش گوشم مورد نوازش قرار گرفتم!

دوات‌های قدیمی شکل عجیبی داشت.

مهدی صحرايي
مربی ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سبزوار

موقع پارک کردن کنار خیابان، به پارکومتر توجه کنید. پارکومتر را که می‌دانید چیه...؟

الو محیط زیست؟! آقا یه درخت عجیب غریب سر کوچمونه در اومده! خواهشاً رسیدگی کنید!!

https://telegram.me/khosroanjom_majid

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

خسب خان چشمش ضعیف بوده، عینک می‌زده. می‌خواست روزنامه بخونه، هی عینکشو می‌زده، یک کمی می‌خونده، دوباره می‌داشته تو جیبش، دوباره می‌زده، یه خورده می‌خونده و همین‌طور...

دوستش می‌گه: خوب، چرا عینکتو نمی‌زنی یک دفعه همشو بخونی؟

خسب خان می‌گه: آخه اونایی رو که درشت نوشته، بدون عینک می‌تونم بخونم. عینک نمی‌زنم که شیشه‌اش مصرف نشه.

پسر خسب خان

باران که می‌بارد
بعدش بند می‌آید
احسنت به این پست احساسی!
چقدر من هنرمندم!

شاعر تنها

سربازی در یکی از کشورهای اروپایی مشغول خدمت بود...
هر کاغذی را که می‌دید، برمی‌داشت و می‌خواند و می‌گفت: این نیست!
سرانجام مسئولان نظامی او را به بیمارستان بردند و یک تیم پزشکی تشخیص داد باید معاف شود. سرباز وقتی کاغذ معافیت را دید، خندید و گفت: همین بود.

خوشمزه‌خان

مرده زنگ می‌زنه خونه، می‌گه من بعدازظهر با دوستم میام خونه...
زنش می‌گه:
خونه ریخت وپاشه
مرده، می‌دونم
زنه، ظرفا هم کنیفه
مرده، می‌دونم
زنه، توی یخچال هم هیچی نداریم...
مرده، می‌دونم!
زنه، تو که همه رو می‌دونی، پس چرا دعوتش کردی؟
مرده، آخه قصد ازدواج داره گفتم، بیاد وضعیمو ببینه، شاید پشیمون شه!..

خوشمزه‌خان

کارنامه که اومد...
از آموزشگاه زنگ زدن گفتن ۴ میلیون بهت می‌دیم، نگو می‌اومدی کلاسای ما.

تنبل‌خان

هیچ وقت اجازه ندید وسایلتون بهمون پول ندارید
چون تا می‌فهمن، تندتند خراب می‌شن.

آقای همساده